

# سوء تفاهم ناموسی باعث مرگ دختر جوان شد



خانواده‌ها با بزرگ شدن غده‌های شکمی دختران جوان دچار سوء تفاهم نشوند و باعث آزار این جوانان معصوم نگردند.

دیگران در مورد وی چه می گویند برای دختر آزار دهنده نیست؟ شک ندارم که این آزارها و یا حتی مرگ نصب دخترانی که این بیماری را گرفته‌اند هر چند اندک ولی پیش آمده است. وی به بازگو کردن خاطره‌های دوران کودکی پرداخت و گفت: خودم کودکی بودم و این مسائل را به درستی درک نمی‌کردم ولی چیزهایی را در خاطر دارم که یک دختر در خانه نامادری شکمش بزرگ شده، به او همت زدند و در اتاقی نمود زدنانش کردند و ما از روی کنجکاوی کودکانه، وی را از کنار در اتاق می‌نگریستیم؛ زن‌های مسن و فهییده به بی گناهی او، البته نه در برابر خانواده وی شهادت می دادند. چندان مشکلی ندارد. این پزشک فوق تخصص کردکان تصریح کرد: این پزشک فوق تخصص کردکان تصریح کرد:

وی در توضیح این ماجرا گفت: این غده رشد آرامی دارد و تقریباً بدون درد و خوش خیم است و علائم جدی که بیمار یا والدین را مجبور به مراجعه زود هنگام به پزشک نماید، وجود ندارد و اغلب تصور می شود بزرگی شکم به دلیل چاقی است. بهادر تصریح کرد: اما مشکل زمانی پیش می‌آید که والدین متوجه بزرگی شکم دختر مجردشان که در سن باروری است شوند؛ فرض کنید این بیماری در یک خانواده که از نظر اجتماعی و اقتصادی که در سطح پایینی هستند اتفاق افتد، چه پیش خواهد آمد؟! به خصوص که بینند دختر از نظر جسمی هم چندان مشکلی ندارد. این پزشک فوق تخصص کردکان تصریح کرد: این پزشک فوق تخصص کردکان تصریح کرد:

نوزادان و فوق تخصص پیوند اعضا فارس در دشتستان اظهار داشت: در روزهای گذشته غده‌ای به وزن هشت کیلوگرم را از شکم یک دختر ۱۳ ساله بیرون آوردیم که شاید از جنبه پزشکی برداشتن این غده کار مشکلی نیست. وی افزود: ولی تشخیص اینکه می‌توان آنرا برداشت یا نه، ممکن است قبل از عمل برای برخی جراحان مشکل باشد و زیر بار چنین عملی نروند؛ تشخیص و عمل جراحی غده‌های شکمی احتیاج به تجربه دارد. این پزشک دشتستانی گفت: منظور از گذاشتن این تصویر موضوع اجتماعی و سوء تفاهمی است که به دنبال چنین بیماری ممکن است پیش آید.

**گروه حوادث -** در روزهای گذشته غده‌ای به وزن ۸ کیلوگرم را از شکم یک دختر ۱۳ ساله در دشتستان بیرون آورده شد که این اتفاق در گذشته به دلیل عدم تشخیص بیماری و سوء تفاهم خانواده و اطرافیان باعث جان باختن دختر نوجوانی شد. علی بهادر اهل روستای محمد جمالی بخش شیبانکاره از توابع شهرستان دشتستان می‌باشد که در سن جوانی در کنار پدر و مادرش به چوپانی مشغول بود اما با پشتکار و دانشی که داشت امروز در کشور حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و در رشته پزشکی قبول شد و دستاوردش معجزه‌های برای خانواده‌های زیادی شد و دستاوردش معجزه‌های برای دکتر علی بهادر فوق تخصص جراحی کودکان و

## مسئول ایستگاه مترو ۴۸۰ پلاک طلارا به صاحبش بازگرداند



به‌سرعت برای گشت‌زنی به سکو رفت اگرچه افرادی برای پیدا کردن نداشت اما نمی‌توانست بی تفاوت باشد. وی در این خصوص گفت: خود را به سکو ایستگاه رساندم و مشغول کنترل سکو به سمت انتهای آن بودم که متوجه شدم قطار در حال ورود به ایستگاه است. سریع خود را به ابتدا سکو و جایی که آسانسور برای خروج مسافران است و تعدادی از دستفروشان حضور داشتند رساندم. طبق اعلام پلیس طلارا در کیسه زباله شکمی بود و من هم دنبال بسته‌ای با همین مشخصات بودم که قبل از رسیدن به آسانسور، بروی صندلی که یک مسافر در کنار آن نشسته بود یک بسته مشابه دیدم. با فریاد از مسافر پرسیدم بسته برای شماست؟ پاسخی نداد و سریع سوار قطار شد. به سرعت بسته را برداشتم قسمتی از آن باز شده بود و محتویاتش مشخص بود. وقتی مطمئن شدم همان بسته منظر است سریعاً بسته را به اتاق بردم و به پلیس و انتظامات ایستگاه خبر دادم. بسته میلیونی طلا که توسط مهدی معصومی متصدی امور

مسئول کاردان ایستگاه دانشگاه شریف بعد از شنیدن خبر بد شدن حال یک مسافر به خاطر کم کردن بسته طلاهایش، جستجو برای یافتن آن را آغاز کرد و موفق شد با پیدا کردن طلاها به مسافر بد حال، امیدی دوباره بدهد. بنا بر اعلام روابط عمومی شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه، چند روز گذشته یکی از همکاران پلیس مترو ایستگاه امام خمینی (ره) با متصدی امور دفتری ایستگاه دانشگاه شریف تماس گرفت و از ماجرای کم شدن بسته‌ای که حاوی ۴۸۰ پلاک طلا با ارزشی حدود ۷۰۰ میلیون تومان بود خبر داد. مسافر بعد از آمدن به اتاق پلیس در ایستگاه امام خمینی (ره) به خاطر بد شدن حالش به اورژانس منتقل شده بود و با دادن نشانی ظاهری بسته خواسته بود تا کاری برایش نکنند. مهدی معصومی مسئول کاردان ایستگاه دانشگاه شریف، جدا از مسئولیتش به خاطر حسن انسان‌دوستانه و روحیه خدمت‌رسانی به مردم برای پیدا کردن بسته مورد نظر

## دستگیری زنی که جسد یک مرد را در خیابان رها کرد

محل گریخت. چند دقیقه بعد از این ماجرای تکان دهنده، بسیج‌های پلیس به صدا درآمد و نیروهای انتظامی عازم محل مذکور در بولوار وکیل آباد شدند. آنان با تأیید درستی خبر، به حفظ صحنه رها کردن جسد پرداختند و مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند. طولی نکشید که قاضی دکتر صادق صفری به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی و عوامل بررسی صحنه جرم به محل مذکور رسیدند و این گونه تحقیقات قضایی در این باره آغاز شد. جسد مربوط به مردی حدود ۳۵ تا ۴۰ ساله بود که آثار ضربه چاقو بر قفسه سینه اش خودنمایی می‌کرد. با بررسی محتویات جیب لباس‌های مقتول، هویت وی در حالی مشخص شد که تعدادی سنجاق و فندک و سیگار نیز به همراه داشت. ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که مرد مذکور در جای دیگری به قتل رسیده و سپس توسط زن ناشناس فراری در ابتدای خیابان صیاد شیرازی رها شده است. با به دست آمدن این اطلاعات، با الفاصله قاضی شعبه ۲۰۸ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد، دستور بازبینی دوربین‌های

ترافیکی را صادر کرد و بدین ترتیب گروهی از کارآگاهان به ردیابی پراپد شکمی رنگ‌پریدند. چند دقیقه بعد از این ماجرای تکان دهنده، بسیج‌های پلیس به صدا درآمد و نیروهای انتظامی عازم محل مذکور در بولوار وکیل آباد شدند. آنان با تأیید درستی خبر، به حفظ صحنه رها کردن جسد پرداختند و مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند. طولی نکشید که قاضی دکتر صادق صفری به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی و عوامل بررسی صحنه جرم به محل مذکور رسیدند و این گونه تحقیقات قضایی در این باره آغاز شد. جسد مربوط به مردی حدود ۳۵ تا ۴۰ ساله بود که آثار ضربه چاقو بر قفسه سینه اش خودنمایی می‌کرد. با بررسی محتویات جیب لباس‌های مقتول، هویت وی در حالی مشخص شد که تعدادی سنجاق و فندک و سیگار نیز به همراه داشت. ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که مرد مذکور در جای دیگری به قتل رسیده و سپس توسط زن ناشناس فراری در ابتدای خیابان صیاد شیرازی رها شده است. با به دست آمدن این اطلاعات، با الفاصله قاضی شعبه ۲۰۸ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد، دستور بازبینی دوربین‌های

گروه حوادث - زنی که با رها کردن جسد یک مرد از صحنه حادثه گریخته بود، در حالی دستگیر شد که ادعای کرد کلید معمای جنایت در دست «مرد فراری» است. دقایق اولیه با ماموران روز حادثه زنی سراسیمه و با چهره‌های پریشان خود را به نگهبانان یک هتل در نزدیکی خیابان شهید صیاد شیرازی ۳ رساند و در حالی که وحشت زده و بریده سخن می‌گفت از جسد مردی خبر داد که در نزدیکی پل زیر گذر بولوار وکیل آباد رها شده بود. او با گفتن این جملات با قدم‌های بلند از محل دور شد و بدین ترتیب نگهبانان هتل حیرت زده به تکاپو افتادند و برای بررسی ادعای زن جوان به آن سوی زیر گذر رفتند، اما در کمال ناباوری همان زن پریشان احوال را دیدند که جسد مردی را از درون یک دستگاره پراپد شکمی رنگ مدل پایین بیرون انداخت و بی درنگ پشت فرمان خودرو قرار گرفت و پدال گاز را در تاریکی شب فشرد. نگهبانان مذکور که همچنان خیره به این صحنه عجیب می‌نگریستند، در تاریکی شب موفق به یادداشت شمار پلاک خودرو نشدند. چرا که زن جوان با سرعت زیاد و پیراژ داد و از

## اسرار مفقود شدن دختر نوجوان بعد از ۶ سال فاش شد



**گروه حوادث -** ۶ سال پیش وقتی دختر ۱۲ ساله به طرز مرموزی ناپدید شد، مادرش همه‌جا را به دنبال او گشت تا اینکه چند روز قبل یک تماس تلفنی اسرار ناپدید شدن دختر گمشده را فاش کرد. مهناز مهرسال ۹۴ وقتی فقط ۱۲ سال داشت ناپدید شد. در همان زمان مادرش به اداره پلیس رفت و کم شدن دخترش را گزارش کرد و گفت: از شوهرم جدا شدم، دخترم با من زندگی می‌کرد اما آخرین بار برای رفتن به مدرسه از خانه بیرون رفت و ظهر هر چه منتظرش ماندم برنگشت. نگران شدم و به هر جا که فکر می‌کردم رفتم اما هیچ کس اطلاعی از او نداشت. حتی دوستانش هم نمی‌دانستند که چه بر سر دخترم آمده است. با اظهارات این زن، تیمی از مأموران جست‌وجو برای یافتن دختر گمشده را شروع کردند تا اینکه معلوم شد او همراه پسرانی افغان به ترکیه فرار کرده است. مادر مهناز گفت: مادریکی از مناطق جنوبی پایتخت زندگی می‌کنیم. رویه‌روی خانه ما مردی افغان به نام محمد زندگی می‌کرد که کارگر ساختمانی نیمه‌کاره بود. آنطور که متوجه شدم محمد در راه مدرسه دخترم را فریب داده و با او طرح دوستی ریخته و با هم به ترکیه فرار کرده‌اند.

در این سال‌ها تلاش‌های برای شناسایی محل زندگی دختر گمشده بی نتیجه بود تا اینکه چند روز قبل تماسی با مادر وی گرفته و معلوم شد که مهناز به ایران بازگشته است. در این شرایط مادرش راهی اداره آگاهی تهران شد و گفت: چند روز قبل موبایلم زنگ خورد و فردی ناشناس گفت اطلاعاتی از دخترم دارد. مهناز گفت: دخترم از ترکیه به ایران بازگشته و در یکی از محله‌های تهران زندگی می‌کند. وقتی از او خواستم آدرس و نشانی او را بدهد، ظفره رفت و گفت باید ۲ میلیارد تومان به حساب او واریز کنم تا آدرس و نشانی او را در اختیارم قرار بدهد. التماسش کردم اما فرد تماس گیرنده تلفن را قطع کرد و گفت هر وقت این مبلغ را تهیه کردی تماس بگیر. او حتی تهدید کرد که اگر پای پلیس را به ماجرا باز کنم، ممکن است جان دخترم به خطر بیفتد. با اظهارات این زن، تیمی از مأموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران، با دستور باز پرس دادرسی جنایی وارد عمل شدند و توانستند تماس گیرنده را که مردی افغانستانی بود شناسایی کنند. او محل زندگی مهناز را لو داد و مدعی شد که وقتی پی به راز این دختر برده قصد اخذ از خانواده‌اش را داشته که ناکام مانده است. به این ترتیب دختر گمشده که حالا زنی ۱۸ ساله و مادر ۳ فرزند است شناسایی شد و پس از احضار به دادرسی گفت: از کودکی با مادرم بزرگ شدم

او همیشه به من می‌گفت که پدرت تصادف کرده و فوت شده است اما پیش از اینکه خانه را ترک کنم متوجه شدم که او در تمام این سال‌ها به من دروغ گفته بود. پدرم زنده بود و وقتی به سراغش رفتم متوجه شدم که هنگام جدایی از مادرم حتی از باردار بودن او خبر نداشته و نمی‌دانسته که دختری دارد. این نهادلایل ناراحتی من از مادرم نبود، چرا که او همیشه مراذیت می‌کرد و کتکم می‌زد. گاهی مرا مجبور به تکلیف‌گری می‌کرد و در سن ۱۲ سالگی قصد داشت به اجبار مرا به عقد یکی از بستگانش در آورد اما من مخالفت کردم. در آن دوران سخت بود که با محمد (جوان افغان) که مقابل خانه ما کارگری می‌کرد آشنا شدم. وقتی ماجرای زندگی مرا شنید، پیشنهاد کرد که همراه او به ترکیه بروم و من هم قبول کردم. ما قاجاچی به ترکیه رفتیم و در آنجا ازدواج کردیم و کار می‌کردیم. من کار نظافت خانه‌ها را انجام می‌دادم و محمد باغداری می‌کرد. در این مدت صاحب ۳ فرزند (۲ پسر و یک دختر) شدیم. اما این اواخر مشکلات مالی به سراغمان آمد و ناچار شدیم به ایران برگردیم. از سوی دیگر دلم برای مادرم خیلی تنگ شده بود و دلم می‌خواست باردیگر صدایش را بشنوم و او را ببینم. در فکر پیدا کردن او بودم که متوجه شدم، یکی از آشنایان شهرم به قصد اخذ از مادرم با او تماس گرفته و همین باعث شد که همه چیز لو برود. باز پرس پرورنده پس از شنیدن حرف‌های مهناز، اظهارات او را ثبت کرد. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<b>مشاور املاک</b>	<b>خدمات</b>	<b>خشکشویی</b>	<b>استخدام</b>
<b>املاک قصر هخامنشیان</b> متخصص در زمینه فروش، سرمایه‌گذاری، رهن و اجاره ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۲۵ و ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۲۶	<b>خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع‌های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی</b> ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴	<b>خشکشویی طلوع</b> در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برج‌های طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری	<b>هتل آرامش جهت تکمیل پرسنل خانه‌داری خود اقدام به استخدام نیروی آقا و خانم می‌نماید.</b> ۰۹۳۵۵۸۳۷۷۸۷
<b>مشاور املاک ایران زمین</b> خرید و فروش پروژه‌های تجاری کیش، اجاره آپارتمان ۰۷۶۴۴۴۴۶۳۹۰ و ۰۹۳۴۷۶۹۳۴۷۰	<b>تاسیسات ساختمانی کریمی</b> ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴	<b>عطاری</b>	<b>مفقودی</b>
<b>مشاور املاک آتیل</b> خرید، فروش، رهن، اجاره و مشاوره در ساخت ۰۷۶۴۴۴۲۴۴۸۰ و ۰۹۳۴۷۶۹۴۴۲۱	<b>خدمات برق</b> انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه‌های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	<b>عطاری عین الشفا</b> با سوغات همدان، انواع عرقیات، داروهای گیاهی، گردو با پوست و مغز گردو توپسیرکان، بادام درختی با پوست و مغز بادام، شیره انگور ملایر، ارده بروجرود و ... آدرس: پارس خلیج فارس، کوچه بابونه شماره تماس ها ۰۹۱۸۸۱۵۵۹۰۳ ۰۹۳۷۸۹۸۰۶۶۶ جنتی عطایی	دفترچه کار بنام آقای رحیم الله حبیبی به شماره پاسپورت p00582521 و دفترچه کار ۱۶۰۴۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
<b>املاک دانیال</b> مشاوره امور ملکی (خرید، فروش، رهن، اجاره) ۰۷۶۴۴۴۰۰۸۰	<b>حمل بار</b>	<b>جوشکاری</b>	<b>جوشکاری</b> فتح فاز ۶ صنعتی (سافاری) قطعه ۷۵ شماره تماس: ۰۹۱۷۹۳۰۷۵۸۸ - ۰۹۳۴۷۶۸۵۴۲۰ حمید رفعتی
<b>املاک امروز</b> مشاور ملکی شما در امور خرید و فروش و سرمایه‌گذاری ۴۴۴۲۵۴۵۴ - ۴۴۴۶۶۰۰۰	<b>حمل و جابجایی کالا</b> با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰		

پرتیراژترین و با سابقه‌ترین نشریه جزیره کیش | گسترده‌ترین شبکه اطلاع‌رسانی داخلی منطقه آزاد کیش | روزنامه